

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۰ اپریل ۲۰۲۳



یونس نگاه

## رابطه مردم با طالبان به حالت انفجاری خواهد رسید

ملا هبت‌الله در پیام تازه عید‌اش نیز لحن جهادی و جنگ‌جویانه دارد و آشکار است که با موقعیت جدیدش در رأس اداره غصب‌شده دولتی خو نگرفته و شهروندان را آن‌گونه که در فقره اول پیامش آمده است، «مردم مجاهد و مؤمن افغانستان» می‌بیند. رابطه او با مردم از نوع رابطه رهبر/رئیس دولت با شهروندان/اتباع نیست. او خود را امیر جهادی و مردم را مجاهدان آماده مارش و حمله می‌خواهد. سراسر پیامش را با کلمات اهداف جهاد، اعلائی کلمه الله، تنفیذ شریعت، فتح عظیم، عمل قاطعانه با دشمنان دین و کشور رنگ زده است تا این پیام به‌ظاهر عیدی و عبادی فرصت شاخ‌وشانه کشیدن و اظهار خشم شود. پیام اصلی او خشم و خشونت است. به توازن در موضوعاتی که در آن پیام پرداخته شده، اگر توجه شود، به‌آسانی می‌توان این نکته را دریافت. از حدود ۲۵۰۰ کلمه نزدیک به ۱۸ درصد آن به دعا و توسل به خداوند اختصاص یافته است. می‌دانیم که در ادبیات جهادی حمد و ثنا ابزار توجیه خشونت و استبداد است. این روش معمول مستبدان مذهبی است که خود را به خداوند و آیات آسمانی سرش کرده و در آغاز هر بحث از بزرگی، مهربانی و جلال پروردگار سخن می‌رانند و آنگاه در جایگاه برگزیدگان و نمایندگان باری تعالی نشسته استبداد، مواضع ارتجاعی و خشونت خود را مشیت الهی می‌خوانند. غیر از ۱۸ درصد دعا و ثنا، تمام متن و بیشتر جملات پیام ملا هبت‌الله به آسمان و خداوند وصل است و از الله و دین در آن چون سپر، به تکرار استفاده شده است. خطاب جهادی او به مردم تنها ۱۶۲ کلمه (۶,۶ درصد متن) را در بر گرفته است. بدنه اصلی پیامش خطاب به مسؤولان طالب و دساتیر اداری است که ۵۴,۶ درصد متن را می‌سازد.

پایان سخنش را به جنگ‌جویان اختصاص داده و سه‌چند آن‌چه با مردم مجاهد سخن گفته، به جنگ‌جویان قاتل و انتحاری‌اش پرداخته و آنان را دعوت به رعایت قاطعانه نکاتی کرده است که خلاصه آن این است: از خدا و ملا هبت‌الله اطاعت کنید و در برخورد با دشمنان ملا هبت‌الله قاطع و بی‌ملاحظه باشید. او در این اطاعت مثل گذشته حتماً نصیحت علنی، چه رسد به انتقاد، را منع قرار داده و دستور داده که «اگر کسی می‌خواهد به یک بزرگ [ملا و قومندان طالب]

نصیحت کند، نصیحت را به وی به‌گونه پنهان برساند.» این‌گونه او رسماً «بزرگان» اداره‌اش را از هر گونه نصیحت و انتقاد مصون می‌خواهد و دوست ندارد از خطاها، کمبودها، جنایات و خیانت‌های آنان سخن گفته شود. در حالی که نسبت به دیگران شمشیر شریعتش را همیشه بران و قاطع می‌طلبد و مساجد و تریبون‌ها را به تشهیر، بدنامی و تکفیر مخالفان اختصاص داده است.

سیاست‌پیشه‌گان نکات اساسی پیام خود را در آغاز و پایان متن جای می‌دهند و میانه پیام را به توضیح، توجیه و تشریفات می‌گذارند. پیام ملا هبت‌الله در آغاز دعا و در پایان تهدید است. در شروع با اتکاء بر دین و الله و دعا‌های مذهبی، خود و اداره مستبدش را به آسمان وصل کرده و در پایان شمشیر و تفنگش را به روی مخالفان کشیده و هشدار داده است که هر گونه مخالفت با قاطعیت سرکوب خواهد شد. باقی هرچه از لزوم کمک به مستمندان، دست‌گیری یتیمان و بیوزنان، توجه به رفاه و امنیت، بودجه و تعلیم و آبادی گفته، کلی‌گویی و تبلیغات میان‌تهی است. مثلاً وقتی از رفاه مردم سخن می‌گوید، آن را با اعلای کلمه الله، هدف جهادی و اصلاح دینی می‌پیچاند و مفهوم طالبانی از رفاه می‌دهد که خلاف آنچه مردم از آن استنباط دارند، به نان، کار، آب و صحت آدم‌ها ارتباط ندارد. رفاه مد نظر ملا هبت‌الله با سرمایه‌گذاری، حکومت قانونی و آزادی تأمین نمی‌شود، بلکه آن‌طوری که در پیام او آمده است، با امر بالمعروف و نهی از منکر به دست می‌آید (فقره ۳). او در ادامه و در همان فقره نوشته است که «بلندترین فریضه نسبت به همه فریضه‌ها امر بالمعروف و نهی عن المنکر است که به‌گونه عملی جریان دارد.» برای آن رفاه ملا هبت‌اللهی به زعم او «اقدامات اصلاحی قابل توجه در عرصه‌های فرهنگ، تعلیم و تربیه، اقتصاد، رسانه‌ها و سایر بخش‌ها انجام شده است.» اقدامات اصلاحی معمول در عرصه‌های اقتصاد و تعلیم و تربیه منجر به بازدهی مادی و عینی می‌شود و انسان‌های نورمال وقتی اصلاحات اقتصادی را می‌شنوند، به رشد اقتصادی و افزایش عواید می‌اندیشند و نتیجه اصلاحات تعلیمی را افزایش تعداد باسوادان، متخصصان و دانشمندان می‌دانند. ملا هبت‌الله چنین نمی‌اندیشد. او نوشته است که در نتیجه «اصلاحات» اقتصاد و تعلیم و تربیه از «اثرات نادرست فکری و اخلاقی اشغال» پاک می‌شود.

طالبان به امر بالمعروف چون منتر جادویی که حلال همه مشکلات است، نگاه می‌کنند. از همین رو در پیام اخیرش از ملاها خواسته شده است که در تمام ولایات با وزارت‌خانه‌های امر به معروف و نهی از منکر، معارف، تحصیلات عالی و اطلاعات و فرهنگ همکاری کنند. تقلیل جایگاه سه وزارت‌خانه اخیرالذکر به زیرمجموعه امر بالمعروف و توظیف آن‌ها به «آگاه‌سازی مردم از دین، تفهیم و اصلاح اعمال مردم» این نکته مهم را آشکار می‌سازد که برخورد کنونی طالبان با معارف، تحصیل و فرهنگ خلاف تصور برخی‌ها صرفاً تاکتیک سیاسی برای چانه‌زنی بر سر رسمیت «امارت» نیست، بلکه طالبان درک متفاوتی از علم دارند و زندگی را به چشم جهادی نگاه می‌کنند. در چشم جهادی طالبان، رفاه و آسایش زندگی این‌جهانی تنها با جهاد و اطاعت معنا می‌یابد و دل‌بستن به تعلیمات مسلکی، رفاه اقتصادی و آرامش دنیوی فساد اخلاقی و کج‌روی است.

البته برای خالی‌نماندن عریضه در پیام ملا هبت‌الله، در فقره چهارم چند جمله در مورد آبادی و بازسازی نوشته شده و در آن همه افغان‌های «مسؤول و غیرمسؤول» مکلف به آبادی کشور خوانده شده‌اند. کشور را چطور آباد کنیم؟ ملا گفته است که تاجران ملی و سرمایه‌داران مکلفیت دارند تا کشور را آباد کنند. گویا او هم شنیده است که تجارت و سرمایه‌گذاری برای آبادی کشور مهم است. اما این‌که چطور تعلیم، تحصیل، آزادی، روابط خارجی سازنده و حکومت داری خوب پیش‌زمینه‌های سرمایه‌گذاری و تجارت‌اند و در شرایطی که مکتب و دانشگاه به شعبات وزارت امر به معروف تقلیل یابند، زنان در خانه زندانی شوند، تحصیل‌کردگان از ادارات رانده شوند و آزادی معادل فساد تبلیغ گردد، سرمایه‌ای خلق نمی‌شود و تجارتی به میان نمی‌آید، چیزی نمی‌فهمد.

در شرایطی که حتا معاش «امارت» طالبانی و نان شکم جنگجویان گرسنه و فریب خورده‌اش با کمک خارجی تمویل می‌شود و انتقال هفته‌وار میلیون‌ها دالر به بانک‌های افغانستان و ارسال هزاران محموله غذایی به نام کمک‌های بشردوستانه مانع فروریزی «امارت» می‌شود، ملا هبت‌الله برای رابطه با جهانیان شرط گذاشته و گفته است که «در مسایل و امور داخلی ما مداخله» نداشته باشید. منظور او از مداخله، ارسال بندل‌های دالر و محموله‌های خوراکی نیست. موافقتنامه دوحه و تسلیمی قدرت را نعمت الهی می‌خواند. تسلیحات، وسایط و ماشین‌آلات پیشرفته‌ای را که در اختیار گروهش قرار گرفته، غنیمت می‌شمارد. خدمات استخباراتی و حمایت‌های اطلاعاتی را که دریافت می‌کنند، حضور هزاران جنگجوی خارجی، دستگیری‌ها و پشتی‌بانی‌های بی‌دریغ اردو و استخبارات پاکستان را مداخله نمی‌داند. او اعتراض خارجی‌ها به بستن مکتب، حبس زنان در خانه، تبعیض در استخدام، انحصار قدرت و اعدام‌های صحرائی را مداخله می‌داند. از نظر ملا هبت‌الله، انسان‌هایی که در داخل مرز افغانستان به سر می‌برند، رعیت اویند و هرچه دلش خواست، می‌تواند با آنان انجام دهد. اگر لازم دید، دستور می‌دهد که مردم حمام نروند، پارک نروند، شادی نکنند، درس نخوانند، کار نکنند و در خانه نشسته خدا را شکر بگزارند و ملا هبت‌الله را اطاعت کنند. جهان حق ندارد دخالت کند؛ چرا که از نظر او مرزهای سیاسی، زمین را به توت‌هائی تقسیم کرده که هر کدام چون کرت‌های زراعتی صاحبی دارد و مالک کرت حق دارد آنجا خار یا گل، شبدر یا رشقه، گندم یا جواری بکارد. مالک حق دارد درخت‌ها را از ریشه بکشد، نهال‌ها را آب ندهد، زمین را بایر نگه دارد و اگر ضرورت دید، کل زمینش را طویله بسازد و یابوهای جهادی را برای جنگ‌های نیابتی اجاره دهد.

اختلاف بنیادی طالبان و غیرطالبان بر سر تعلیم و تربیه است. طالبان درک مدرسه‌ای و نادرست از آگاهی و اخلاق دارند. در پیام اخیر ملا هبت‌الله نیز چندین جای از تعلیم و تربیه ذکر شده و او کوشیده است به مخاطبان برداشت «تعلیمی» اش را با وضاحت نسبی بیان کند. از نظر او، بستن مکاتب پیشرفت اصلاحی است. او اعلام کرده که امارتش «روند تعلیم و تربیه را در سراسر کشور گسترش داده» است. از نظر او، تبدیل کردن مکاتب به مدرسه و ممانعت از تعلیم زنان پیشرفت تعلیمی است؛ چرا که به «اصلاح» ذهنیت‌های «اشغال‌زده» منجر می‌شود. همین فاصله ذهنی طالبان با مردم وضعیت کنونی را خلق کرده است. این فاصله عاقبت به حالت انفجاری خواهد رسید و رویارویی ملت با گروهی که با چنگ‌و‌دندان تلاش دارد مردم را از حرکت باز دارد و عقب‌گرد را اصلاح بخواند، اجتناب‌ناپذیر است.